

دو ماهنامه

صنعت زدایی

نشریه‌ی مسهاش (مجمع سراسری هیات امنای شهرک‌های صنعتی)
سال دوم / شماره چهارم / خرداد ۱۳۹۳

با گفتار و نوشتارهایی از

کارشناسان اقتصادی:

فتح‌الله احمدلو

علی اکبر امیرفتاحی

محمد اقارب پرست

حسین پروازگر

محمدامین توکل

اسفندیار جهانگرد

رضا جلالی

رضا چینی

محمد رضا داوری پناه

غلامحسین دوانی

علی دینی ترکمانی

سعیده شفیعی

رضا مجیدزاده

سامان مرادی

فرشاد مومنی

فرهاد نیلی

داوود نفر

... و



هم‌اندیشی صنعت و دانشگاه در پاسخ به

فراخوان رئیس‌جمهور درباره رکود تورمی

هفت عامل رکود تورمی در اقتصاد ایران
بخش مولد مغلوب سرمایه‌داری ربایی شد
مقیاس غیراقتصادی و نهاد‌های کج کار کرد
بانک‌هایی که رقیب بخش مولد شدند
سیاست‌هایی که تولید ملی را نشانه گرفت
سال ۱۳۹۵، سال خروج از رکود اقتصادی



عبدالوهاب سهیل آبادی



مصطفی اسداللهی



دکتر بهروز هادی زنونز



دکتر عباس شاکری



امیر حسین امیرشفاق



غلامحسین حسن تاش



سیده محمد بحرینیان

۱۲ سرمقاله / رکود تورمی پدیده‌ای نهادی و تاریخی

پرونده صنعتی

۱۴ بحران امروز زاییده ترس از ایجاد انحصار است

۱۸ هفت عامل رکود تورمی در اقتصاد ایران

۲۰ ۱۳۹۵ سال خروج از رکود

۲۳ سیاست‌هایی که تولید ملی را نشانه گرفت

۲۵ بخش مولد مغلوب دلالتی و سرمایه‌داری ربائی شد

۲۷ بانک‌هایی که رقیب بخش مولد شدند

۲۹ رکود تورمی در آئینه شاخص‌ها و نماگرها

۳۳ اقتصاد سیاسی رانتی و رکود تورمی

۳۵ اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها و مخاطرات صنعت

۳۸ رکود تورمی دستاورد ناکارآمدی سیاست‌های دولتی

۴۷ عکس‌هایی از رکود صنایع

۵۰ معامله باخت - باخت میان بانک‌ها و صنعت‌گران

۵۶ ارتقای بهره‌وری و ظرفیت جذب؛ راهکارهای اساسی خروج از رکود تورمی

۶۱ هم‌اندیشی دولت، دانشگاه و صنعت برای خروج از رکود تورمی

۶۳ بررسی اقتصاد ایران در شرایط رکود تورمی

سرآمدان صنعت

۶۸ شیرین‌نوبین برنبدون رانت

شهرک‌های صنعتی

۷۲ شهرک صنعتی اشترجان تجلی اعتماد دولت به بخش خصوصی

۷۶ اخبار شهرک‌های صنعتی

۷۷ گردهمایی زنجیره تولید چرم و مصنوعات چرمی برگزار شد

۷۸ گزارش سفر اعضاء هیئت مدیره مجتمع سراسری به شهر شیراز

بولتن صنعتی

۸۰ لایحه‌ای برای حمایت از تولید

۸۲ نشست هم‌اندیشی دولت با صنعت‌گران و فعالان اقتصادی

۸۴ جغرافیای رکود در بخش صنعت

۸۶ عزم دولت برای عبور از رکود اقتصادی

۸۸ گزیده اخبار صنعتی کشور

۹۲ معرفی کتاب خصوصی‌سازی در ایران

ندای صنعت

ندای رسای صنایع کوچک ایران

ماهانامه‌ی «ندای صنعت»، رسانه‌ی صنایع کوچک است که به همت و حمیت «مجتمع سراسری هیئت امنای شهرک‌های صنعتی» انتشار می‌یابد. ندای صنعت می‌خواهد منادی صنعت‌گران در کم‌بودن‌ها و نبودن‌ها و کاستی‌ها و سستی‌ها و برای آنان راوی خاطرات و مخاطرات و ترجمان خواستن و خاستن‌ها باشد. می‌خواهد صدای رسای صنعت‌گران و تولیدکنندگان بی‌شمار ملی در تنگی‌ها و سختی‌های نفس‌گیر کنونی برآمده از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و فشارهای جهانی باشد. ندای صنعت می‌خواهد رسانه‌ی مکتوب ارباب کار آفرینی و نوآفرینی و ندای رسای اصحاب تولید و سرمایه‌گذاری در این دیار باشد.

این نشریه می‌کوشد با بکارگیری همه‌ی روش‌ها و ابزارهای حرفه‌ای و رعایت انصاف و اعتدال، اهداف زیر را محقق کند:

۱. شناسایی مشکلات و موانع خرد و کلان کسب و کار فعالیت بنگاه‌های صنعتی و بازگویی رسای آن به سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی.

۲. ایجاد ارتباط و وثیق و همکاری و هم‌اندیشی میان صنعت‌گران و بنگاه‌های صنعتی درون شهرک‌های صنعتی و میان شهرک‌های صنعتی پراکنده در استان‌های کشور.

۳. مستندسازی دانش ضمنی و تجارب عملی صنعت‌گران و کارآفرینان بمنظور انباشت و برهم‌افزایی دانش تجربی آنان و زمینه‌سازی برای یادگیری ضمن کار.

۴. ایجاد تعامل و هم‌اندیشی میان سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، صنعت‌گران و کوشندگان عرصه تولید و دانشوران، پژوهش‌گران و اندیشمندان و صاحب‌نظران برای شکل‌گیری دانش تعاملی سه‌جانبه.

۵. ارزیابی و نقد برنامه‌ها و سیاست‌ها و طرح‌های اقتصادی برای کاهش آسیب‌های ناشی از آنها در بخش صنعت و تحقق آرمان «حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی»

۶. شناسایی و معرفی تجارب موفق جهانی و ملی در سیاست‌گذاری بخش عمومی و سرمایه‌گذاری و کار آفرینی بخش خصوصی.

در این راه، چشم به همکاری شما صنعت‌گران عزیز دوخته‌ایم، امید به هم‌زبانی برای هم‌گویی، همراهی در کنار همسایگی، هم‌آیندگی و هم‌اندیشی در مسیر هم‌سرنوشتی داریم؛ باشد که از همکاری صمیمانه کارشناسان و اندیشمندان، کارآفرینان و صنعت‌گران و نیز مدیران و سیاست‌گذاران بهره‌مند شویم.

صاحب امتیاز:

مجتمع سراسری هیئت امنای شهرک صنعتی استانها (مسهاش)

مدیر مسئول: رضا جلالی

سردبیر: حجت‌الله میرزایی

مشاور علمی: دکتر محسن رنایی

شورای سیاست‌گذاری: علی‌اکبر امیرفتاحی (رئیس)

محمد رضا داورپناه / نعیم شجاع‌الدین / مرتضی اسلام‌زاده / رضا جلالی

امور اجرایی: نگین شبستری

سازمان آگهی‌ها: نرگس اجاق

هنری و فنی (طراحان سیب نقره‌ای) رضا دولت‌زاده

عکس: سیدابراهیم حسینی، علی شایگان، یلدا معیری، مهرداد نیکروان

طراح لوگو: نسیم امیرفتاحی

ناظر چاپ: حسین خیر خواه

چاپ: هنر سرزمین سبز

نشانی ماهنامه: تهران، خیابان جویبار (فلسطین شمالی)، پایین‌تر از زرتشت

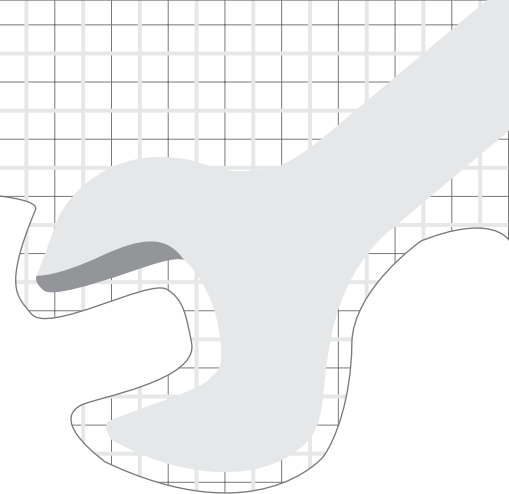
کوچه برادران شهید غفاری، پلاک ۲، طبقه سوم

تلفکس: ۸۸۹۷۰۸۵۹

تلفن سازمان آگهی‌ها: ۸۸۹۷۱۸۳۰

پا تشکر از همکاران این شماره: سیدبهادر حسینی، نگین درخشان، شیرین سعیدی

نگین شبستری، فرزانه طهرانی، محدثه مرادی، علی نیلی، مسعود یوسفی و حسن یحیوی



رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران:

بحران امروز زاییده ترس از ایجاد انحصار است

فرزانه پهرانی
روزنامه‌نگار

«ترس از ایجاد انحصار، ایران را به گرداب تعدد و خردگرایی انداخت که هرگونه صرفه اقتصادی را از بنگاه‌های تولیدی دور می‌کند». محمد بحرینیان رئیس کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن کشور این تحلیل را به واسطه سال‌ها مطالعه بر اقتصاد ایران عنوان می‌کند. او سال‌هاست که در حال بررسی ریشه‌های توسعه در سایر کشورها و شناخت راه‌های اشتباهی است که ما تاکنون رفته‌ایم. وی به زبان انگلیسی تسلط کامل دارد، بسیاری از متون نظری و تجربی در زمینه‌های اقتصاد و صنعت را از نسخه‌های اصلی مطالعه کرده و تاریخ اقتصادی ایران در یکصد سال اخیر را نیز به‌طور دقیق خوانده است. بر اساس همین مطالعات است که می‌گوید نقطه آغاز بحرانی که اکنون اقتصاد ایران را در بر گرفته، سال‌هایی دور است که به دلیل برخی ترس‌ها و بی‌تدبیری‌ها شرایط امروز را باعث شده است. بحرینیان هر چند سال‌ها مطالعه را پشت سر خود دارد اما کمتر علاقه‌ای به حضور در رسانه‌ها و بیان نتایج مطالعاتش به اصحاب قلم دارد. این عضو اتاق بازرگانی اگر چه در خبرها کمتر دیده می‌شود ولی دستاوردهای مطالعاتی خود و کمیسیون اقتصاد کلان اتاق بازرگانی را به مجلس و دولت ارائه می‌دهد تا داده‌ای برای برنامه‌ریزی‌های صحیح‌تر باشد. او در میان صحبت‌هایش تعبیری از اقتصاد کشور ارائه می‌کند که بیانگر وخامت اوضاع این روزهای این بخش کشور است. «دُمَل چرکی» که به گفته بحرینیان دیر یا زود سر باز می‌کند ولی به دلیل اثرات نامطلوب هدفمندی یارانه‌ها و وجود تحریم‌ها این اتفاق زودتر حادث شد. در گپی که با او داشتیم به دوره‌های رونق کشور در سده ۱۳۰۰ رسیدیم. طلایی‌ترین آن بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ است که ۱۰٫۶۲ درصد رشد اقتصادی و ۱٫۲۵ درصد تورم در کشور وجود داشت. صنعت فولاد، ماشین‌سازی تبریز و پس از آن اراک هم در این سال‌ها ایجاد شد. به گفته بحرینیان کشور هنوز هم مدیون اقداماتی است که در آن سال‌ها انجام شده است. ولی او انتقادی هم به تصمیمات آن دوره دارد و آن اینکه فکر صنعتی شدن ایجاد شد اما نه ایجاد زنجیره صنعتی همانند آنچه در کره اتفاق افتاد. ما فولاد را برای فولاد می‌خواستیم اما کره فولاد را برای خودروسازی و صادرات می‌خواست. مشروح گفت‌وگوی محمد بحرینیان از آنچه بر اقتصاد ایران گذشته را در ادامه می‌خوانید.

در طول سال‌های گذشته به یک نقطه اشباع رسیده است. در چنین شرایطی هم اقتضای خاصی فرجامی‌گریز ناپذیر است.

منظور از سیاست‌های اشتباه تصمیماتی است که از سال ۸۹ گرفته شد یا این فرآیند به گفته شما مزمّن، از سال‌های قبل‌تر نیز وجود داشته است؟

فردریک باسیات در سال ۱۸۲۳ بحثی دارد درباره آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود. در حوزه اقتصاد یک عمل و یا قانون دارای تأثیر واحد نیست بلکه زنجیره‌ای از آثار و تبعات وجود دارد که بخشی از آن مثلاً به صورت تورم دیده می‌شود اما آثار بعدی آن که ممکن است در آینده بروز کند در لحظه قابل ملاحظه نیست. بنابراین اگر ما بتوانیم آنچه در آینده به واسطه تصمیمات حال حاضر ما

در دو سال گذشته علاوه بر رشد شدید تورم، اقتصاد در رکودی عمیق نیز فرو رفت. توقف فعالیت بنگاه‌های تولیدی به‌ویژه در شهرک‌های صنعتی غالباً تا ۳۰ درصد دیده می‌شود. کارشناسان تحلیل‌های متفاوتی از زمینه‌های شکل‌گیری این رکود تورمی عنوان می‌کنند. شما به عنوان یک فرد آکادمیک در اتاق بازرگانی ایران چه دلیلی را موجب ایجاد این شرایط می‌دانید؟

این شرایطی که امروز از آن صحبت می‌کنیم یک دُمَل چرکی است که به واسطه وجود عوامل تشدیدکننده زودتر از موعد سرباز کرده است. به عبارت دیگر اگر این عوامل تشدیدکننده وجود نداشت ما خواه ناخواه تا پنج سال آینده با چنین شرایطی روبرو می‌شدیم. اقتصاد ما به دلیل مزمّن شدن تصمیمات اشتباه



داشت؛ اقدام به تأسیس ذوب آهن کردیم
 اما می بینیم که آمریکا در آن زمان به
 شدت مخالف اقداماتی از این دست
 بود و می گفت شما بهتر است کشاورزی
 انجام دهید. برای جلوگیری از پیشرفت ایران نیز
 از اعطای وام از سوی بانک جهانی جلوگیری کردند و به آلمان‌ها اخطار دادند که
 با ایران همکاری نداشته باشد.

با این همه ایران برخی صنایع را راه اندازی کرد. فقط ما یک اشتباه انجام
 دادیم و هنوز هم علت این تصمیم را نمی دانم و آن این بود که ما کارخانه تولید
 تیر آهن احداث کردیم در حالی که در همان زمان کشور کره کارخانه تولید ورق
 تأسیس و توسعه شش صنعت را برنامه ریزی کرد. کره‌ای‌ها می گفتند ما صنعت
 فولاد را برای تغذیه صنایع مان می خواهیم اما در ایران صنعت فولاد را برای فولاد
 می خواستند. از آنجا که بخش خدمات و مستغلات در ایران فعال بود ایران به دنبال
 تولید تیر آهن رفت ولی کره برنامه ریزی کرد که تیر آهن را وارد کند و به عوض
 آن ورقی تولید کند که با آن صنایع خود را تغذیه کند. به هر حال پس از ایجاد
 کارخانه تولید آهن، سراغ صنعت ماشین سازی رفتند و ماشین سازی تبریز و پس
 از آن اراک راه اندازی شد. پس از این اقدامات و رفت و آمدهای مشکوک ایران و
 روسیه بود که آمریکا با مداخلات خود فرد مورد نظرش را به جای عالیخانی نشاند.
 پس از رفتن عالیخانی اثرات رونق ایجاد شده تا سال ۵۲ نیز باقی ماند و هنوز
 هم کشور مدیون صناعی است که در آن زمان ایجاد شده است اما این اقدامات
 ناکافی و خام باقی ماند. دومین اشتباه دولت هم ترسی بود که از انحصار داشت.
 به خاطر آنکه انحصار در کشور پدید نیاید تعداد واحدهای تولیدی را افزایش دادند
 مانند آنچه برای صنایع لاستیک اتفاق افتاد. در سال ۴۷ با تولید ۱۶ هزار دستگاه
 انواع خودرو، ۱۱ کارخانه خودروسازی در کشور فعالیت می کرد. این به معنای آن
 است که در دوران نوزادی صنعت اجازه نفوذ تکنولوژی و رشد به صنعت داده نشد.
**با این توضیحات، می توان نتیجه گرفت کشورهای پیشرو در
 صنایع خود انحصار محور بوده اند؟**

برای روشن شدن موضوع مثالی می آورم. کشور کره در همان سال هایی
 که اقدام به صنعتی شدن می کرد ابتدا مرکزی را ایجاد کرد متشکل از نخبگان
 دانشگاهی، اجرایی و دیوان سالاری با تجربه دولتی و برای خود هدفی مشخص
 را تعریف کرد. اینکه یک کشور عقب افتاده با تکیه بر کشاورزی به کشوری مدرن
 و صنعتی تبدیل شود. این گروه نخبه هم با توجه به اینکه جنگ در این کشور
 تازه تمام شده و فقر به شدت افزایش یافته بود؛ اشتغال زایی را اولویت اول تعیین
 کردند و گفتند باید صنعتی ایجاد شود که گرچه صنعت هدف ما نیست اما اشتغال
 مورد نظر را پاسخ دهد. بنابراین صنعت نساجی به عنوان نخستین گام در کره
 تأسیس شد. استراتژی هم جایگزینی واردات بود. وارداتی که نگرش صادرات پیدا
 می کرد. پس از آن ایجاد صنعت فولاد با رویکرد تولید ورق برای تغذیه صنایع
 برنامه ریزی شد. اساس توسعه آنها نیز توسعه صنعتی و ماشین آلات بود ولی با
 توجه به اینکه ماشین سازی فعالیتی دیربازه و کم سود است باید بازاری برای
 آن ایجاد می کردند. برای داشتن بازار دو صنعت خودروسازی و کشتی سازی را
 مد نظر قرار دادند.

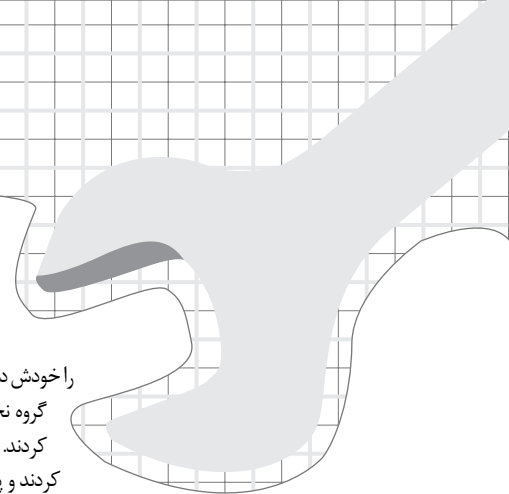
آنها مانند آنچه در ایران اتفاق افتاد ۱۱ کارخانه خودروسازی ایجاد نکردند
 چون بازار آزاد را قبول داشتند. ولی از آنجا که در جامعه عقب افتاده که ساختار
 صنعتی بر آن حاکم نیست نمی توان تولید را به دستانی نامرئی سپرد لذا دولت کار



**رکود کنونی
 نتیجه مقیاس
 غیر اقتصادی و
 تعدد واحدهای
 تولیدی با
 تقاضای محدود
 است**

روی خواهد داد را ببینیم؛ سیاست گذار موفق می خواهیم بود. یک اقتصاددان زنده
 هر دو اثر را با هم می بیند. تقریباً همیشه وقتی عواقب آنی تصمیمات ناخوشایند
 است، عواقب بعدی آن فاجعه آمیز خواهد بود. ما تقریباً در همه دوره‌ها با سیاسیونی
 مواجه بوده ایم که خواستار خیر آنی بودند، به این ترتیب اقتصاد ما به طور عام و
 صنعت به طور خاص در طولانی مدت با شر تصمیم گیری‌ها روبرو شده اند.
**اینکه می گویند همیشه سیاسیون خواهان خیر آنی بودند؛ منظور
 از همیشه چه دوره هایی است؟**

اگر بخواهیم دوره های رونق و رکود در کشور را بررسی کنیم می توان چند دوره
 را به طور خاص نام برد. تصمیمات دوره اول که در دهه ۱۳۲۰ بر کشور حاکم بود
 از نوع آگاهانه نبود و نخبگان در برنامه ریزی‌ها شرکت نداشتند. در دوره بعد یعنی
 دوران حضور دکتر مصدق هر چند نخبگان برای اداره امور به حاکمیت راه یافتند
 اما به دلیل کم بودن تعداد این افراد، دوره مزبور چندان دوامی نداشت. اما از سال
 ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ را می توان طلایی ترین دوران اقتصاد و صنعت کشور نام نهاد.
 نتایج اقداماتی که در این دوره آغاز شد تا سال ۱۳۵۲ نیز ادامه پیدا کرد. دوره آخر
 که به طور خاص اقداماتی در اقتصاد کشور انجام شد نیز در سال های پایانی جنگ
 تحمیلی و دفاع مقدس بود ولی در هیچ دوره ای از تاریخ شاخص های اقتصادی
 مانند آنچه در سال های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ اتفاق افتاد در اوج نبوده است. رشد
 متوسط سالانه در این هفت سال ۱۰.۶۲ و میزان تورم ۱.۲۵ درصد بوده و میزان
 سرمایه گذاری در بخش صنعت نیز در این دوره بالاترین سطح را تا به امروز داشته
 است. توصیه می کنم خاطرات شفاهی برخی از مقاماتی که در آن دوران عامل این
 رشد طلایی بودند را مطالعه کنید. خاطرات آقایان ابوالحسن ابتهاج و علی نقی
 عالیخانی که مؤثرترین افراد بودند هم چنین محمد یگانه، مهدی سمیعی، خداداد
 فرمان فرمایان، منوچهر گودرزی و عبدالمجید مجیدی. از مجموع مباحثی که
 در آن خاطرات می توان به دست آورد شاید چکیده اش را در خاطرات محمد
 یگانه بتوان یافت. وی در صفحات ۱۲۰ و ۱۲۲ کتاب خود می گوید: «به طور کلی
 سیاست این بود که توسعه دو جانبه ای را به وجود آورد؛ اعم از اینکه کشاورزی
 باشد یا صنعتی، باید بتواند احتیاجات اصلی خودش را تأمین کند، تکنولوژی و
 دانش روز را وارد کرده و صنایع اساسی و لازم را ایجاد کند هم چنین اتکالی کشور
 به واردات صنایع اساسی روز به روز کمتر شود». این شاید اساسی ترین دیدگاه
 صنعتی کشور بود. در بخش دیگری از این کتاب آمده است «باید بتوانیم صناعی
 در کشور ایجاد کنیم که نه تنها ماشین بسازد بلکه باید ماشین هایی بسازیم که
 ماشین تولید کنند». اما متأسفانه می بینیم که این دیدگاه در این سال ها به هیچ
 وجه مورد توجه قرار نگرفته است به طوری که در حدود ۱۵ سال قریب به ۲۷
 درصد از درآمد ارزی کشور صرف واردات ماشین آلات صنعتی شده است. در
 بخش دیگری از خاطرات شفاهی به این موضوع اشاره می شود که برخی کشورها
 که انتظار همکاری از آنها در جهت رشد صنعتی ایران می رفت چندان تمایلی
 به این اتفاق نداشتند. در این دوران در لابی های مجرمانه ای که ایران با روس ها



را خودش در دست گرفت، به این ترتیب که گروه نخبه صاحبان صنعت را انتخاب کردند. صنعت خودرو را با مونتاژ شروع کردند و پس از چهار سال برنامه تولید را آغاز کردند. از چهار خودروساز، دو کارخانه اعلام کردند توانایی تولید در شرایط حاضر را ندارند بنابراین آن دو حذف شدند و دو خودروساز جدید برای تولید به میدان آمدند. نخستین ماشین تولیدی به نام پونی در سال ۱۹۶۷ به آمریکا صادر شد هر چند این خودرو در گام نخست شکست خورد اما با تجربه این شکست حق تولید سواری از کیا و ایشیاموتور گرفته شد و فقط هیوندای اجازه تولید سواری داشت. در این مدت خودروسازان فرصت آن را پیدا کردند که روی طراحی خود کار کنند. از آن زمان به بعد نفوذ تکنولوژی نیز اتفاق افتاد. اما ما در تصمیم‌گیری‌ها این مشکل را داشتیم که آمال‌ها را در مقطع کوتاهی می‌خواستیم اجرا کنیم. در جوامع عقب افتاده کمبود سرمایه، تکنولوژی و نیروی انسانی وجود دارد بنابراین نمی‌توان رشد متوازن داشت. این موضوع را دولت‌مردان ما متوجه نشدند و می‌خواستند در تمام صنایع پیش بروند.

پس متمرکز شدن بر یک صنعت خاص می‌توانست ما را به پیشرفت نزدیک کند؟

اشکال کار ما نداشتن تعاریف عملکردی است. برای تولید ۱۶ هزار دستگاه خودرو، ۱۱ کارخانه ایجاد کردیم. برای تولید ۱۰ تا ۱۲ هزار تن فولاد، ۱۲۸ کارخانه احداث کرده‌ایم در حالی که در کره فقط یک کارخانه فولاد با نام پوسکو ۳۸ هزار تن تولید دارد. به ۱۶۷ کارخانه سیمان مجوز دادیم. ۷۲۰ کارخانه رب در کشور احداث کردیم با ظرفیت تولید دو میلیون و ۵۰۰ هزار تن. این به مفهوم آن است که با توجه به تولید پنج میلیون تن گوجه فرنگی در کشور و تازه‌خوری سه میلیون تن گوجه، فقط دو میلیون تن برای صنعت مواد اولیه باقی می‌ماند. وقتی در نظر بگیریم که ۲۰ درصد از گوجه وارد شده به صنعت تبدیل به رب می‌شود یعنی ۴۰۰ هزار تن از ظرفیت موجود فعال خواهد بود و باز این به آن معنی است که برای خرید گوجه، کارخانجات به رقابتی ناسالم می‌پردازند که تمام سود این رقابت ناسالم و بازار سیاه به جیب دلان می‌رود. در واقع تقاضای کاذب ایجاد کرده‌ایم. کارخانه احداث شد منابع هم تخصیص یافت ولی به دلیل اقتصادی نبودن تولید این منابع باز نمی‌گردد. منابع باید در جایی هزینه شود که ارزش افزوده ایجاد کند. متأسفانه در ایران یک سوم منابع هزینه شده هم باز نمی‌گردد. در یکی از صنایع کشورمان می‌بینیم که ظرفیت ایجاد شده ۲،۷ برابر کل تولیدی است که از این محصول در ترکیه، عربستان، هندوستان، چین، مالزی، اندونزی، تایلند، تایوان و کره جنوبی تولید می‌شود. آیا تعریف ما از انحصار صحیح بوده یا بدون برنامه کار کرده‌ایم؟! مثالی دیگر در این زمینه عنوان می‌کنم. در حال حاضر برای تولید یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن مرغ ما ۱۸ هزار و ۵۶۰ واحد مرغداری در کشور داریم در حالی که در برزیل ۸۵ درصد از تولید مرغ را فقط ۹ واحد انجام می‌دهند. این یعنی ما در ایران اقتصادی کار نمی‌کنیم. وقتی حجم تولید در یک واحد بالا باشد یعنی به دنبال این حجم سود بالایی نیز عاید می‌شود. همین موضوع قدرت و ظرفیت تحقیق و توسعه را به واحد مزبور می‌دهد. آن وقت است که این واحد می‌تواند به دنبال تأمین کم هزینه نهاده‌های مورد نیاز و رشد فناوری و تکنولوژی واحد خود باشد. شوهر در تحلیلی می‌گوید «کوچک زیباست» ولی واحدهای کوچک نمی‌تواند پاسخ بازاری جهانی را بدهد و تولید صادراتی داشته باشد. کوچک وقتی زیباست که تحت یک صنعت بزرگ خوشه‌های صنعتی شکل



دولت بدون هیچ استدلالی منابع عظیمی را به سمت فعالیت‌های ساختمانی سوق داد

بگیرد. در حال حاضر یکی از شرکت‌های بزرگ کره‌ای که انواع لوازم صوتی و تصویری را تولید می‌کند در کل دنیا نمایندگی دارد و ۳۸۰ هزار شغل را درون خود از سراسر جهان جای داده است. نمایندگی‌ها و واحدهای کوچکی که زیر چتر یک صنعت بزرگ مشغول فعالیت هستند. تولید در یک اشل اقتصادی سبب شده است که در حال حاضر ۹۹،۷ درصد از کارگران تحت پوشش بیمه باشند. ضریب فراهم بودن مسکن نیز در این کشور ۱۰۶ درصد باشد. در حال حاضر کشور کره ارزان‌ترین فرآیندهای تولید در دنیا را دارد. در صنعت نساجی رتبه ۱۰، در خودروسازی رتبه ۵، در پتروشیمی با وجود نداشتن منابع نفتی و گازی رتبه ۵ و کشتی سازی رتبه اول را در دنیا داراست.

شما در بخشی از صحبت‌های خود به این موضوع اشاره کردید که اقتصاد ایران تبدیل به ذملی چرکی شده بود که بالاخره سر باز می‌کرد و فقط عواملی آن را تسریع کرد. می‌توانید این عوامل تسریع‌کننده را تشریح کنید؟

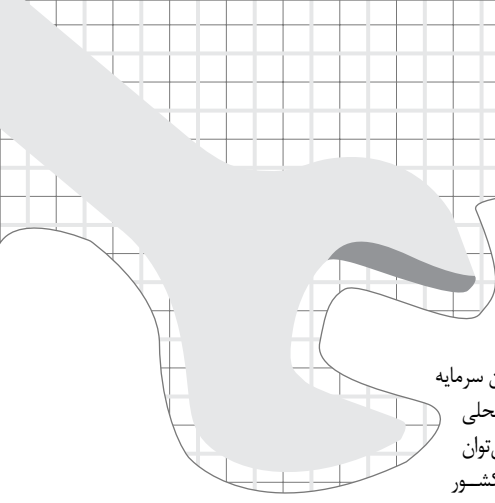
نخست آنکه هدفمندی یارانه‌ها در شرایطی اجرا شد که زیرساختی برای آن مهیا نبود. به عبارت دیگر پیش از افزایش قیمت حامل‌های انرژی فکری برای صرفه‌جویی انرژی در واحدهای تولیدی نشده بود. دوم آنکه آنچه در فاز نخست هدفمندی برای تولید پیش‌بینی شده بود تخصیص نیافت و تمام منابع حاصل از هدفمندی صرف یارانه نقدی شد و در نتیجه تولید فرصتی برای اصلاح مصرف انرژی پیدا نکرد. در مرحله سوم نیز تحریم‌ها هم به این ماجرا اضافه شد و در نتیجه همه منابع به روی تولید بسته شد و این چنین تولید به رکود در شرایط رشد قیمت‌ها رسید. این ذمل به دلیل غفلت به تولید شکل گرفت. بخشی که می‌توانست ارزش افزوده واقعی ایجاد کند دچار بحران شد. سفته بازی بانک‌ها قدرت غیرمولدها را بیشتر کرد و دولت هم به تولید توجهی نکرد. دولت بدون هیچ‌گونه پیش‌زمینه و راهبرد و استدلالی منابع عظیمی را به سمت فعالیت‌های ساختمانی سوق داد. این راهبرد توسعه تولید نبود. این تخصیص منابع حفظ منافع گروهی و یا تحت تأثیر فشارهای سیاسی صورت گرفت. به‌عنوان مثال بخش عظیمی از منابع به سمت بخش عمران و راهسازی رفت به جهت راحتی بیشتر اما در مقابل فکری برای تأمین خودرو صورت نگرفت اینگونه بود که واردات خودرو خارجی توجیه‌پذیر شد. یکی دیگر از اشتباهات دولت آن بود که نرخ سود را برای بخش مولد و غیرمولد یکسان نگه داشت و این موجبات واردات بیشتر را فراهم کرد.

چه تعداد واحد تولیدی بعد از اجرای هدفمندی تعطیل شدند؟ کدامیک از صنایع بیشترین حجم تعطیلی را داشتند؟ آیا آماری از فعالان تولید که بابت بدهی قضایی شده‌اند را دارید؟

آمار دقیق و منسجمی در این رابطه وجود ندارد. وزیر صنعت، معدن و تجارت چندی پیش اعلام کرده بود که در برخی از شهرها ۹۰۰ واحد تولیدی تعطیل شده‌اند. اگر بر اساس برآوردهای عینی و تخمینی خود بخواهیم آماری اعلام کنیم می‌توان گفت حدود ۳۰ درصد از واحدها تعطیل شده‌اند و ظرفیت سایر بنگاه‌های تولیدی به ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

اما به رغم رکود تولید و تعطیلی واحدها آماری که از سوی دستگاه‌های مربوطه اعلام می‌شود از کاهش نرخ بیکاری حکایت دارد. چقدر می‌توان این آمارها را واقعی دانست؟

دکتر رنالی این بحث را به خوبی در گزارشی تشریح کرده است. از یک سو فعالیت و به تبع آن اشتغال‌زایی واحدهای تولیدی کاهش یافته و جلب آنکه اشتغال‌زایی در بخش ساختمان نیز افت کرده ولی از سوی دیگر این اشتغال‌زایی



بورس به معنی منبع اصلی تأمین سرمایه است در کشور ما اینگونه نیست و محلی برای سهم بازی است. بنابراین نمی توان بورس ایران را دماسنج اقتصاد کشور دانست. ۱۵ درصد سهام را به چهار میلیون نفر

فرد حقیقی می فروشند بعد با افت شاخص ها، با تهییج احساسات، از به خطر افتادن سرمایه این چهار میلیون نفر که از اقشار متوسط جامعه هستند صحبت می کنند تا حمایت هایی را جذب این بازار کنند ولی هیچ گاه نمی گویند ۸۵ درصد باقیمانده از آن کیست و در نهایت چه گروهی سود اصلی عایدشان می شود.

متأسفانه در کشور ما بنگاه های تولیدی همیشه ضعیف واقع شده اند. در قوانین پولی و بانکی نیز گاهی مشاهده می شود که در جایی عنوان بنگاه تولیدی را در قوانین قید می کنند در جای دیگر بنگاه را بدون پسوند تولیدی می آورند. این کار دست ارائه دهندگان تسهیلات به بنگاه های خدماتی را نیز باز می کند به این ترتیب می بینیم حجم قابل توجهی از تسهیلات به سمت بنگاه های غیرمولد روان می شود. وزیر اقتصاد چندی پیش اعلام کرد با توجه به اینکه نرخ تورم برای سال جاری به ۱۵ تا ۲۰ درصد می رسد لذا نرخ سود سپرده های بانکی نیز باید کاهش یابد. به نظر شما آیا بانک ها با این تصمیم کنار خواهند آمد؟

اقتصاد بانکداری ایران، اسلامی است. با خورای حرام است و بهره مرکب مجاز نیست. ولی در عین حال بانک مرکزی فرمول مشخصی برای سود ندارد. ما در اتاق بازرگانی طی تحقیقی فرمول سود بانک ها را بررسی کردیم. نتیجه بدست آمده بسیار نزدیک به سود مرکبی است که در اسلام حرام شناخته شده است. ما در کشور علاوه بر بانک های تخصصی و عمومی، دسته ای مؤسسات اعتباری داریم که بخش عمده اقتصاد در دست این مؤسسات است. صورت های مالی ارائه شده در بورس هم نشان دهنده میزان سود آنهاست. اگر سود این بخش را با سودی که به سپرده گذاران پرداخت می شود قیاس کنیم می بینیم که نرخ سود بسیار پائین تر از رقم کنونی باید باشد.

پیامی که از بودجه ۹۳ به عنوان نخستین برنامه مالی مکتوب دولت یازدهم دریافت می شود چیست؟ آیا با توجه به ۳۸ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی در نظر گرفته شده می توان انتظار رونق را داشت؟

در بودجه ۹۳ من پیامی برای تولید ندیده ام در مقابل برای بخش های غیرمولد موارد بسیار راضی کننده ای درج شده است. سوابق هشت سال گذشته نشان می دهد که دولت قبل بی نظیرترین منابع را در بخش عمران صرف کرده است. نتیجه چه شد؟ جالب است بدانید در کشوری مانند آلمان سهم شاغلان ساختمانی در بخش صنعت بیشتر از ۱۰ درصد نیست ولی این نسبت در کشور ما به ۶۰ درصد بالغ می شود.

با توجه به مجموع آنچه تا به حال از دولت یازدهم دیده اید فکر می کنید تولید سال جاری چه شرایط جدیدی را تجربه کند؟

نمی توانم نظری در این باره بدهم. چون از برنامه های دولت برای تولید کشور بی خبرم. به هر حال کشوری داریم که به گفته دکتر عظیمی نه می توانیم بگوییم توسعه یافته است نه عقب مانده. ما کاملاً قابلیت توسعه بسیار پیشرفته را در کشور داریم. امکانات پراکنده ای نیز در کشور وجود دارد. فقط باید یک گروه از عقلا دور هم جمع شوند و با عقلانیت کار را پیش برند. ■



من در بودجه ۹۳ پیامی برای بخش تولید ندیده ام در مقابل برای بخش های غیرمولد موارد بسیار راضی کننده ای درج شده است

در بخش دیگر صورت گرفته است. بخش زیادی از شغل ها در بخش ارائه خدمات ساده ایجاد شده است. یعنی در بخشی که ارزش افزوده ای ایجاد نمی کند. با یک تقسیم بندی در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات و میزان شغلی که هر یک از این گروه ها دارد می توان این تغییر را احساس کرد. تصمیمات نادرست باعث می شود از یک اقتصاد پویا و سالم به فضای رانت و سودهای بادآورده برسیم. به عنوان نمونه ای در راستای تصمیمات نابخردانه می توان به لغو ماده ۱۰۹۴ قانون مدنی اشاره کرد. این قانون می گفت «ارزش شهادت نمی تواند از ۵۰۰ هزار تومان بالاتر باشد» با لغو این ماده حجم عظیمی از پرونده های زمین خواری با شهادت دو نفر به نفع زمین خواران بسته شد. در کنار آن هم شغلی به نام شهادت دادن ایجاد شد که برخی افراد با دریافت مبلغی بدون اطلاع از درستی و حقانیت ماجرا اقدام به ارائه شهادت در دادگاه می کنند. نمونه دیگر اینکه در سال های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ گفتند که شهرها باید خودکفا شوند. در این جهت شهرداری ها اقدام به افزایش عوارض کردند تا هزینه های زندگی شهری را تأمین کنند ولی با هجوم نمایندگان مجلس و دولت، شهرداری از این کار باز ماند در نتیجه راهکارهای دیگری را به کار بست. واژه های عجیبی خلق شد برای اخذ پول بیشتر و تأمین منابع مالی از مردم. یکی از این واژه ها «تراکم سیار» بود. شهرداری با این توجیحات زمینهای برای ایجاد منابع مالی فراهم کرد که دست دلالت در آن بسیار باز خواهد بود و سودهای سرسام آوری از محل رفتارهای ناپسند اجتماعی برای این گروه فراهم خواهد شد. در شرایطی که توصیف آن را به طور مفصل در پرسش های قبل داشتید؛ اجرای فاز دوم هدفمندی چه اثراتی بر اقتصاد و به طور خاص تر بر تولید خواهد داشت؟

به نظر من هنوز اثراتی که فاز نخست هدفمندی بر تولید داشته است هم چنان ادامه دارد. ما پیش از اجرای فاز نخست بر اساس درخواست آقای نهبوندیان رئیس وقت اتاق بازرگانی با استفاده از آمارها و داده هایی که از جداول سال ۱۳۸۰ موجود بود؛ گزارش آماده کرده و به دولت ارائه کردیم. خوب است بدانید نتیجه ای که از اجرای قانون هدفمندی یارانه ها در مرحله نخست به دست آمد با آنچه ما در گزارش خود پیش بینی کرده بودیم حدود پنج درصد تفاوت داشت. محاسبات اثرات اجرای این قانون و تأثیر افزایش قیمت ها کاری ساده است فقط باید داده های واقعی از اقتصاد روز داشته باشید دولت قبل محاسباتی که از این داده های آماری داشت را ارائه نکرد و گمان من بر این است که بدون این مطالعات آماری اجرای این قانون را آغاز کرد. این دولت هم اگر محاسباتی دارد ارائه دهد تا بتوان بر آن قضاوت کرد. به هر حال به غیر از اثرات مستقیم، این طرح اثرات غیرمستقی نیز بر اقتصاد خواهد داشت که به مراتب از اثرات مستقیم آن اهمیت بالاتری دارد.

با توجه به شرایط اخیر کشور از جمله تصمیمات بودجه ای دولت، نامعلوم بودن تکلیف هدفمندی در فاز دوم، نامشخص بودن نتایج مذاکرات و لغو تحریم ها سبب ریزش شاخص های بورس شد. اکنون دولت تصمیم به تزریق ۵ هزار میلیارد تومان به بورس و کاهش نرخ سود بانکی گرفته است. رقمی که نزدیک به یک پنجم کل تسهیلات پرداختی بانک ها در سال ۹۱ بوده است فکر نمی کنید این تصمیم دولت موجب کاهش پرداخت تسهیلات به تولید شود؟

بورس ما سهم بازی است. ساختار شرکت هایی که در بورس هستند چگونه است؟ آیا حق تقدم فروخته می شود یا فقط افزایش قیمت می دهند؟ حجم درصد کل معاملات در بورس چقدر است و چند درصد آن حق تقدم است؟ در حالی که